

## علل نگرانی‌های فاطمه زهرا

### بعد از رحلت پیامبر اسلام

مصائب و حزن فاطمه زهرا در فاصله بین رحلت رسول اکرم و شهادت ایشان از مسلمات تاریخ اسلام است. یکی از پرسش‌های بسیار مهم در تاریخ اسلام، چرایی و علت آن‌همه حزن و اندوه و مصایب شدید آن بانو می‌باشد. بدون شک می‌توان دغدغه‌ها و نگرانی‌های آن حضرت را علت اصلی آن حزن دانست و همین نگرانی‌ها بود که آن حضرت را به قیام کشاند و وی را مبتلا به انبوهی از مصایب و بالاخره شهادت نمود. در این مقاله سعی شده است تا بر اساس سخنان آن حضرت، به ویژه نرازمایی از خطبه «فدکته» یا خطبه مشهور مسجد مدینه و شواهد تاریخی به مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های آن حضرت پرداخته شود.

#### مقدمه

شدت اندوه حضرت فاطمه زهرا بعد از پدر گرامی‌شان موجب شد که غم و اندوه آن بانو، یک واقعه مهم تاریخی گردد و فصلی از تاریخ اسلام را به خود اختصاص دهد و در خود، اسرار، پیام‌ها و حرف‌ها داشته باشد. ائمه اطهار آن را بارها بازگو کرده‌اند و مورخین اسلامی از آن به تفصیل یا به اشاره سخن گفته‌اند؛ به گونه‌ای که جای هیچ‌گونه تردید در اندوه شدید فاطمه در فاصله بین وفات پیامبر تا شهادت او وجود ندارد. مهم‌تر این‌که خود زهرا اطهر سعی در آشکار نمودن و اعلان آن حزن و اندوه داشت. از همین‌رو در تاریخ، همواره این سؤال‌ها وجود داشته که چرا آن‌همه حزن و اندوه به جان پاک مقدس‌ترین زن عالم هجوم آورده؟ واقعاً دغدغه و نگرانی حضرت فاطمه زهرا چه بود؟ آیا فقط به خاطر فقدان پدر بود؟ چه مسایل و عواملی ناراحتی‌ها و مصایب ایشان را تشدید می‌کرد؟

این سؤال‌ها مهم و راه‌گشاست و مسلمین نباید به راحتی از این سؤال‌ها بگذرند. پاسخ این سؤال می‌تواند اولاً چهره فاطمه علیها السلام را بهتر نشان دهد و ثانیاً راه حق و صحیح را بنمایاند. البته برای این‌که این سؤال در اذهان پدید نیاید و یا محو شود و یا بی‌اهمیت جلوه کند، چاره‌ای نبود که چهره نورانی دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در لابلای تحریف تاریخ پوشانند تا دختر پیامبر علیها السلام، صحابی بزرگ، همسر خلیفه مسلمین، علی علیه السلام، و زنی که قرآن از او به پاکی یاد کرده، اهمیتی نداشته باشد. اهل عناد، ناصبین، متمسبین مسلمان، امثال ابن تیمیه و دنبال‌کنندگان راه او در زمان حاضر چنین راهی را پیمودند و می‌پمایند. در اندوه فاطمه علیها السلام اسرار، سخن‌ها و پیام‌های فراوانی نهفته است که هنوز بر بسیاری از مسلمین پوشیده است. فقدان پدر فقط یکی از عوامل غم و مصیبت بود؛ اما علل و عوامل دیگری این غصه و اندوه را تشدید می‌کرد. در واقع حزن و رنج فاطمه علیها السلام از دغدغه‌ها و نگرانی‌های آن بانو ریشه می‌گرفت. دغدغه‌ها و نگرانی‌های آن حضرت نیز ریشه در عصمت، علم، تعهد و التزام او به خداوند، نبوت، امامت، کلمه‌الله و احکام اسلام و دلسوزی مفرط آن بانو برای امت اسلام تا قیامت داشت.

در این جا با صرف نظر از مصایب و رنج و اندوه‌های شخصی آن بانوی بزرگ در فقدان پدر، مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های آن حضرت در مورد اسلام و امت اسلامی ذکر می‌شود.

#### ۱. نگرانی از محو آثار بعثت و وحی

آنچه غم فقدان پدر را شدیدتر کرده بود، ظهور و نشانه‌های تحقق امور دیگری بود که فاطمه زهرا علیها السلام را نگران کرده بود. علاوه بر آن‌که اهانت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و رها کردن جسد او، برای زهرا علیها السلام اطهر علیها السلام امری غیر قابل تحمل بود، کنار زدن وصی پیامبر او را بیشتر آزار می‌داد. فقدان پیامبر با وجود و حضور امام معصوم و جایگزینی وصی نبی، جبران می‌گردید؛ اما او را نیز کنار زدند. اگر امروز، شیعیان از نبود پیامبر گریبان هستند، به خاطر این است که حجت و وصی او در پرده غیبت است؛ لذا دچار فقدان پیامبر هستیم و در دعاها از این مسأله به خداوند شکوه می‌کنیم.

اگر بلافاصله بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، وصی او، علی علیه السلام، بر کرسی امامت نشسته

بود و راهبری و رهبری و ولایت او تحقق می‌یافت، فقدان پیامبر جبران می‌شد و حزن و اندوه فاطمه زهرا علیها السلام برطرف می‌گردید و یا حداقل تشدید نمی‌شد.

حزن و اندوه به جان پاک مقدس‌ترین زن عالم هجوم آورده؟ واقعاً دغدغه و نگرانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام چه بود؟ آیا فقط به خاطر فقدان پدر بود؟ چه مسایل و عواملی ناراحتی‌ها و مصایب ایشان را تشدید می‌کرد؟

فاطمه زهرا علیها السلام در خانه‌ای متولد و بزرگ شده که وحی در آن نازل شده (مهبط وحی) و صبحگاهان و شامگاهان ذکر و اسم خدا از آن خانه به آسمان بالا می‌رفت. «فی بیوت اذن الله أن ترفع و يذكر فيها اسمه يستج له فيها بالغدو و الاصل»<sup>(۱)</sup>. او حاصل بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دست آورد ۲۳ سال رنج و

خون‌دل خوردن آن حضرت را وحی و تعالیم و حیانی می‌دانست و آگاه بود که اگر وحی و تعالیم و حیانی و ره آورد بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست‌خوش حادثه و دچار دگرگونی شده و یا به کنار رانده شود، فلسفه بعثت و تمام تلاش و کوشش رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر باد خواهد رفت. او یک معصوم بود و خود را مکلف و موظف به پاسداری و حفظ و حراست اجرای تعالیم و حیانی و ره آورد بعثت می‌دانست؛ حراستی که اگر نیاز به جان‌بازی و تقدیم خون و شهادت باشد، نباید دریغ نمود.

این دغدغه یکی از ابعاد مهم شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام را نشان می‌دهد و امروزه اگر کسی بخواهد ببیند که چقدر فاطمه گونه است، باید میزان دغدغه خود و حساسیت خود را نسبت به وحی و تعالیم و حیانی و احکام اسلام بسنجد و ببیند چقدر در درون خود ملتزم به وحی است و چه مقدار نگران است تا تعالیم وحی اجرا شود و یا در نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی بر مبنای وحی قانون‌گذاری می‌شود یا نه؟ چقدر علاقه‌مند است که وحی و تعالیم و حیانی قرآن در دنیا بسط پیدا کند و چقدر دغدغه دارد که «کلمة الله هی العلیاء» در عالم تحقق پیدا کند؟

برخی، وقتی سخن از فاطمه علیها السلام است، فقط عفت و حجاب به ذهن‌شان خطور می‌کند که گویا ماندگاری به فاطمه علیها السلام فقط در حجاب و عفت است که البته این، بعدی

از ابعاد شخصیت فاطمه‌مانندی است اما نه همه ابعاد او. راز عفت فاطمه علیها السلام در دغدغه و التزام او به وحی و تعالیم و حیانی بود.

فاطمه علیها السلام در هنگام وفات پدر می‌گریست و می‌گفت: «یا رسول الله من یوحی الله و امره؟» «پس از تو بر سر وحی الهی و دستورات خدا چه خواهد آمد؟». او خطاب به مردم گلایه و شکوه می‌کند که چرا قرآن را پشت سر انداخته‌اند و می‌فرماید: «و قد خلفتموه وراء ظهورکم أرغبة عنه تریدون؟ أم بغیره تحكمون؟ و بنس للظالمین بدی»<sup>(۱)</sup>.

«شما قرآن را پشت سر انداختید و عمل به آن را کنار گذاشتید. آیا به آن تمایل ندارید و از آن روی گردان می‌شوید؟ و آیا می‌خواهید به قوانین دیگری غیر از قرآن حکم کنید؟ و آن چه به جای قرآن گرفته‌اید، چقدر برای ظالمین زشت و بد است!».

## ۲. نگرانی از تفرقه بین امت پیامبر

فاطمه زهرا علیها السلام در واقع مادر امت اسلامی است. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام پدران امت اسلامی هستند<sup>(۲)</sup>، فاطمه زهرا علیها السلام نیز (ام‌اینها) مادر پدرش نامیده شد. پس او مادر معنوی امت اسلامی است و بدیهی است که مادر، همواره نگران تمام فرزندان خویش است و برای سعادت و رشد آنان دغدغه دارد و از هر عاملی که به سعادت و رشد فرزندان لطمه بزند سخت در هراس است و اگر ببیند عواملی که راه سعادت فرزندان را سد می‌کند پیش آمده، غمگین و محزون می‌شود.

فاطمه زهرا علیها السلام تفرقه امت اسلامی را بزرگ‌ترین سد راه سعادت و کمال و عامل گرفتاری و مصایب مسلمین می‌دانست؛ زیرا از آن به عنوان یکی از نگرانی‌های مهم خود یاد می‌کرد و تنها راه وحدت امت اسلامی را تن دادن مسلمین به امامت علی علیه السلام می‌دانست و اصرار می‌نمود که: «امامتنا اماناً للفرقة»: «خداوند امامت ما را برای در امان ماندن امت اسلامی از تفرقه قرار داد».

در جای دیگر خطاب به زنان، تصویر حکومت علی علیه السلام را ترسیم نموده

۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸، از خطبه مسجد مدینه.

۲. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۵۹، و فرهنگ سخنان فاطمه، ص ۲۶.

می‌فرماید:

اگر شما قدم پیش می‌گذاشتید و زمام امور خود را به همان‌هایی که خدا و رسول برای آن کار مشخص کرده‌اند واگذار می‌کردید، هر آینه او حکومت و امت اسلامی را به ملایمت و سهولت پیش می‌برد و سالم به مقصد می‌رساند به گونه‌ای که حرکتش رنج‌آور نمی‌شد و آنان را با چشمه سرشار و زلال حقیقت سیراب می‌کرد. چشمه‌ای که آب زلال آن فواره زنان از هر طرفی جاری است و هرگز رنگ کدورت نمی‌پذیرد. علی علیه السلام همواره در نهان و آشکار، خیرخواه امت بود و اگر به خلافت می‌رسید، از اموال بیت‌المال برای خویش برنمی‌داشت و ذخیره نمی‌کرد...<sup>(۱)</sup>

تاریخ به ما نشان داد که چگونه نگرانی فاطمه علیها السلام از تفرقه امت پیامبر اسلام بجا بود و چگونه و چرا مسلمانان دچار تفرقه و اختلاف شدند. دهها فرقه کلامی، فقهی و سیاسی پدید آمد و از رهگذر این تفریق، چقدر خون مسلمانان ریخته شد و دشمنان اسلام بهره بردند و هنوز از این تفرقه‌ها در جهت سلطه خود بر مسلمین بهره‌برداری می‌کنند و علت تمام تفرقه‌ها فقط کنارزدن علی علیه السلام و نپذیرفتن امامت ائمه اطهار علیهم السلام بود.<sup>(۲)</sup>

۳. نگرانی از وقایع تلخ و خون‌بار آینده مسلمین طاعات فریضی

فاطمه علیها السلام با عقل و درایت خود، آینده راهی را که اهل سقیفه شروع کرده بودند و پی آمد بی تفاوتی و به خانه خزیدن مسلمانان را به روشنی می‌دید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در آخرین لحظات عمر با یادآوری آیه شریفه «و ما محمد إلا رسول قد خلت من قبله الرسل افاين مات او قتل انقلبتم على اعقابكم و...»<sup>(۳)</sup> بازگشت امت را به دوران جاهلیت و زندگی قبیله‌ای و جنگ و خون‌ریزی بی‌پایان اشاره کرده بود. فاطمه زهرا علیها السلام سخت نگران اولاد

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۱۰۸، و امالی شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۸۴ و فرهنگ سخنان فاطمه، ص ۱۱۰.

۲. رک: علی و فاطمه نور علی نور، گفتار آثار تبدل نعمت غدیر در سقیفه، ص ۶۳ به بعد.

۳. آل عمران: ۱۴۴.

اهل و ناهل خود بود. او به دنبال اقدامی بود که در پرتو آن، آنان در آینده‌ای نه‌چندان دور به جان هم نیافتند و در مقابل یکدیگر صف‌بندی نکنند. آخر پیامبر اکرم ﷺ با تلاش خود به تقابل و اختلاف عبدالشمس، عبدالدار با عمرو<sup>(۱)</sup> پایان داده بود. حضرت فاطمه علیها السلام نمی‌خواست مجدداً در بین امت اسلامی آن نزاع‌ها و اختلافات زنده شود؛ لذا فاطمه زهرا علیها السلام دائماً آینده‌خوین و پر از فساد که پی‌آمد اقدامات مخالف با وحی بود را متذکر می‌شد، شاید که دست بردارند و به وحی بازگردند. آن حضرت علیها السلام در سخنانی که با زنان مهاجر و انصار دارد، هشدار می‌دهد و درباره‌ی آینده می‌فرماید:

«به جان خودم سوگند! نطفه‌ی فساد بسته شده، پس منتظر باشید تا مرض فساد و میکروب‌ها در پیکر اجتماع اسلامی انتشار یابد، آن هنگام است که به جای شیر، خون و زهر مهلک تلخ خواهید دوشید. فقط آیندگان، سرانجام بنیانی را که شما در آغاز اسلام گذاشتید متوجه می‌شوند. شما فکر می‌کنید راحت

شدید و از فتنه و تفرقه، ایمن شدید؟! خیر چنین نیست. بشارت باد بر شما شمشیرهای برنده که به جان شما خواهد افتاد و سلطه و تعدی متجاوزین ستمکار بر شما و هرج و مرج و اختلال دائمی میان مردم و استبداد ظالمین و استیلائی دیکتاتورها بر جوامع اسلامی. آینده به گونه‌ای خواهد شد که حاکمان شما حقوق و منافع شما را به تاراج خواهند برد و فقط اندکی از منافع و اموال‌تان را به شما خواهند داد و قسمت زیادی از اموال و حقوق‌تان را در غیر خواسته‌های شما مصرف می‌کنند.

امروزه اگر کسی بخواهد ببیند که چقدر فاطمه‌گونه است، باید میزان دغدغه‌ی خود و حساسیت خود را نسبت به وحی و تعالیم و حیانی و احکام اسلام بسنجد و ببیند چقدر در درون خود ملتزم به وحی است و چه مقدار نگران است تا تعالیم وحی اجرا شود و یا در نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی بسر مسبنای وحی قانون‌گذاری می‌شود یا نه؟ چقدر علاقه‌مند است که وحی و تعالیم و حیانی قرآن در دنیا بسط پیدا کند و چقدر دغدغه دارد که «کلمة‌الله‌سی‌العلیاء» در عالم تحقق پیدا کند؟

۱. رک: امام علی علیه السلام، ص ۲۰ به بعد.

«پس حسرت و اندوه بر شما از آینده و عاقبت شما! افسوس که کورید و نمی‌بینید و ما نیز نمی‌توانیم شما را مجبور به کاری کنیم که از آن کراهت دارید»<sup>(۱)</sup>.

آن‌چه حضرت (علیها السلام) پیش‌گویی کرده و هشدار داده بود، دیری نپایید که تحقق پیدا کرد و قتل عثمان و جنگ جمل<sup>(۲)</sup> پیش‌درآمد آن بود و به دنبال آن صفین و نهروان و شیبخون‌های بُسرین ارطاة که در مجموع ۱۴۹۰۰۰ نفر از مسلمان کشته شدند<sup>(۳)</sup>. واقعه کربلای امام حسین (علیه السلام) دردناک‌ترین نتیجه روی‌گردانی از وحی بود. در واقعه «حرّه» در سال ۶۳ هجری، کشتار فجیع و جنایت‌های شرم‌آور به دستور یزید و به فرماندهی مردی گستاخ به نام «مسلم بن عقبه» انجام گرفت و ۳۰۰۰۰ نفر از اهالی مدینه کشته شدند و اموال و نوامیس اهل مدینه به تاراج رفت<sup>(۴)</sup>.

حجاج در مدت ۲۹ سال ولایتش در عراق با اهل عراق چنان کرد که از وقایع سیاه تاریخ گردید. قبل از آن از سوی خلیفهٔ اموی برای سرکوبی قیام عبدالله زبیر به سوی مکه گسیل شد و در موسم حج مکه را به منجنیق بست و بر مکه و مدینه و حجاز امارت یافت و همواره خون تازه‌ای می‌ریخت. او تا هنگام مرگ، دست‌کم هزار تن را از دم تیغ گذرانید و نزدیک همین تعداد زندانیان وی بودند<sup>(۵)</sup>.

آن شمشیر برّان، سلطهٔ ظالمین، خون‌ریزی و فتنه که فاطمه زهرا (علیها السلام) خبرش داده بود به بنی‌امیه ختم نشد؛ بلکه ختم بنی‌امیه شروع دیگری در دورهٔ بنی‌عباس بود که دوران محنت فقط یک نمونه از زهر تلخی بود که در دوران بنی‌عباس به کام جامعهٔ اسلامی ریخته شد<sup>(۶)</sup>.

۱. از سخنان آن حضرت در جمع زنان، احتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۱۰۸، و امالی شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۸۳ و فرهنگ سخنان فاطمه، ص ۱۱۲.
۲. الکامل، ج ۳، ص ۱۴۲.
۳. فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۵۴۷.
۴. ابن قتیبه شمار کشته‌شدگان را ۱۱۷۰۰ نفر اعلام کرده و افزوده، شمار زنان و کودکان را که کشته شدند، باید به این عدد افزود (الامامة و السياسة). یاقوت حموی، شمار کشته‌شدگان را ۸۵۰۰ نفر گزارش کرده است. رک: معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۵۲.
۵. رک: معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۵۳، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۲۴، الغارات، ج ۲، ص ۴۶۰، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۵۶، الکامل، ج ۳، ص ۴۵۵، فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۵۵۴، دایرة المعارف تشیع، ج ۶، ص ۲۰۷، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۳.
۶. تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۸۵-۱۷۷، شذرات الذهب، ج ۲، ص ۳۹، خاندان نوبختی، ص ۴۵-۴۴.

دوران بنی عباس نیز سپری شد؛ اما آن چه فاطمه زهرا علیها السلام نگرانش بود، ادامه یافت تا به وضعیت امروزی مسلمین رسید و هنوز آن چه فاطمه علیها السلام هشدارش داده و محزون و دل نگرانش بود ادامه دارد و مشاهده می کنیم، خون هایی که در افغانستان ریخته شده و می ریزد، خون هایی که در پاکستان هر از گاهی در نزاع های فرقه ای بر زمین جاری می شود، آن چه در عراق در طی دو دهه اخیر رخ داد و حتی خون هایی که در بوسنی و در دناک تر از همه در فلسطین به دست دشمنان می ریزد؛ همه نتیجه همان اساس ناصواب سقیفه بود. این ویرانی و پریشانی که امروزه برای مسلمین درست شده، نتیجه تبدیل نعمت غدیر در سقیفه بود. فاطمه زهرا علیها السلام از مطهرون و راسخون در علم بود لذا قرآن را مس نموده و تأویل و تطبیق آنها را می دانست. آن بانو به خوبی تفسیر، تأویل و تطبیق این آیه شریفه را می دانست:

«ألم تر ألی الذین بدلوا نعمت الله کفراً و أحتلوا قومهم دار البوار (۱)».

«آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفر و ناسپاسی تبدیل کردند و قوم خود را به خانه مرگ و نابودی سوق دادند؟».

فاطمه زهرا علیها السلام پیش بینی می کرد که نعمت ولایت که در غدیر، مکمل بعثت بود «الیوم اکملت لکم نعمتی و اتممت علیکم...» (۲)، چون در سقیفه تبدیل و دگرگون شد، نتایج جز تقویت و سیطره کفر بر ممالک اسلامی و نابودی و بدبختی به همراه نخواهد داشت؛ اما افسوس که به تفسیر و تأویل فاطمه زهرا علیها السلام از این آیه گوش نکردند (۳).

#### ۴. نگرانی از رخ داد های تلخ برای آل محمد (علیهم السلام)

آن چه بیش از همه بر حزن و اندوه فاطمه علیها السلام می افزود وقایع تلخ و ناگواری بود که برای علی و حسن و حسین، دو سبط نبی اکرم، و امام مسلمین و زینب علیها السلام و سایر ائمه اطهار و تمام اولاد بهشتی آن حضرت در آینده شکل می گرفت. فاطمه علیها السلام فقط نگران علی علیه السلام و حسن و حسین و زینب و ائمه معصومین نبود، بلکه جسد مقتول پاکانی از اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله که به ظلم در آینده های دور کشته می شوند، می دید.

۱. ابراهیم: ۲۸.

۲. مائده: ۳.

۳. رک: علی و فاطمه نور علی نور، ص ۷۷.



تاریخ به ما نشان داد که چگونه نگرانی فاطمه (علیها السلام) از تفرقه امت پیامبر اسلام بجا بود و چگونه و چرا مسلمانان دچار تفرقه و اختلاف شدند. دهها فرقه کلامی، فقهی و سیاسی پدید آمد و از رهگذر این تفریق، چقدر خون مسلمانان ریخته شد و دشمنان اسلام بهره بردند و هنوز از این تفرقه‌ها در جهت سلطه خود بر مسلمین بهره‌برداری می‌کنند و علت تمام تفرقه‌ها فقط کنارزدن علی (علیها السلام) و نپذیرفتن امامت ائمه اطهار (علیهم السلام) بود

چه بسا اضطراب فرزندان عزیزش در پرده غیبت نیز او را اندوهگین و محزون می‌کرد. طبق اخبار ائمه اطهار (علیهم السلام) این‌گونه وقایع در مصحف فاطمه زهرا (علیها السلام) ثبت است. از قتل حسین (علیها السلام) از قبل از تولد، توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آگاهی یافته بود<sup>(۱)</sup>. آن حضرت در

زمزمه‌ای شاعرانه، قتل حسین (علیها السلام) را یادآوری نمود:

أمسوا جیاعاً و هم أشبالی  
أصغرم یقتل فی القتال  
بکریلا یقتل باغتیال  
لقاتلیه الویل مع وبال

«فرزندانم دیشب را گرسنه به روز آوردند، کوچک‌ترین آنان حسین در میدان جنگ کشته می‌شود. در کربلا فرزندانم را با حیله و تزویر شهید می‌کنند. نکبت و عذاب بر قاتلان<sup>(۲)</sup> باد.»

هنگام وفات غمبار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تا سخنان پدر را شنید که فرمود: «من برای فرزندانم گریه می‌کنم، از وقایع تلخی که برای آنان در آینده رخ خواهد داد». فاطمه (علیها السلام) به شدت گریه نمود و متأثر شد<sup>(۳)</sup>. فاطمه زهرا (علیها السلام) نه تنها از مصایبی که بر علی (علیها السلام) اطلاع داشت، بلکه پیش‌درآمد آن مصایب را با چشم خود زمانی مشاهده کرد که بند به گردن آن حضرت انداختند و در کوچه آن حضرت را کشیدند.  
امام صادق (علیها السلام) می‌فرماید:

۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۶۴.

۲. عوالم، ج ۱۱، ص ۵۸۸، امالی: ص ۲۵۸، فرهنگ سخنان فاطمه: ص ۱۹۹.

۳. امالی: ج ۱، ص ۱۹۱، ریاحین الشریعة: ج ۱، ص ۲۳۹.

«لما حضرت الوفاة بکت، فقال لها امیر المؤمنین یا سیدتی! ما یبکیک؟ قالت: أبکی لما تلقی بعدی<sup>(۱)</sup>».

«چون وفات بانوی گرامی اسلام رسید آن حضرت گریه نمود، امیر المؤمنین علیه السلام از ایشان سؤال کرد ای سرور من! چرا گریه می کنی؟! حضرت پاسخ داد: از مصایبی که بعد از من به تو خواهد رسید گریه می کنم».

### ۵. نگرانی از آثار و پی آمدهای غضب خلافت علی علیه السلام

اگر ادا کنیم ریشه و اساس تمام نگرانی های حضرت زهرا علیها السلام که حزن و اندوه و مصایب را تشدید می کرد مسأله آثار ویرانگر غضب خلافت و پی آمد ناگوار دگرگونی نعمت غدیر در سقیفه بود، نادرست نخواهد بود؛ زیرا فقدان پیامبر، آینده خونین، تفرقه امت، محور آورد بعثت و وقایع تلخ برای آل محمد، همه ریشه در کنار زدن علی علیه السلام و تبدل نعمت غدیر داشت.

از طرف دیگر فاطمه علیها السلام معصوم بود و از همه بیشتر به وحی و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله پای بند بود و خود را ملتزم و موظف به اجرا و دفاع از تعالیم خداوند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله می دانست. او جمله رسول اکرم صلی الله علیه و آله را که «من کنت مولاة فهذا علی مولاة» شنیده بود. از دعای آن حضرت خبر داشت که فرموده بود: «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله<sup>(۲)</sup>». او شأن امام و منصب امامت را بهتر از همه اصحاب دریافته بود؛ لذا پاسداری و دفاع از امام زمان خود و امامت علی علیه السلام را فرض و واجب و رسالت الهی خود می دانست. از همین رو دفاع آن حضرت از امام علی علیه السلام فقط دفاع همسر از شوهر نبود، بلکه دفاع مأموم از امام برحق بود. دفاعی که تقدیم جان را مباح، بلکه واجب می سازد. اگرچه در پاره ای موارد به نظر می رسد رابطه عاطفی زن و شوهری نیز دخیل بوده است.

آن حضرت علیها السلام دغدغه شدید و نگرانی عظیم خود را نسبت به مقام ولایت، بارها و بارها اعلام نمود. ایشان در جواب دختر طلحه که سؤال کرد: فاطمه جان! چه چیزی شما را این گونه به گریه و زاری واداشته است؟ پاسخ می دهد: «از پست ترین قبایل عرب،

۱. الغدیر: ج ۱.

۱. همان.

تمیم (قبیله ابوبکر) و از نیرنگ‌بازترین قبایل عرب، حدی (قبیله عمر) که بر قبیله علی (علیه السلام) ستم روا داشتند و پرچم مسابقه را برافراشتند تا بر علی (علیه السلام) پیشی بگیرند و چون موفق نشدند کینه علی (علیه السلام) را در دل گرفتند؛ اما پنهان داشتند. آن‌گاه که نور دین به خاموشی گرایید و پیامبر (صلی الله علیه و آله) رحلت کرد، آن بغض‌ها و کینه‌ها را آشکار کردند و بر مرکب آرزو سوار شدند و ستم‌ها روا داشتند...<sup>(۱)</sup>».

در کنار قبر حمزه در پاسخ یکی از اصحاب درباره امامت علی (علیه السلام) پاسخ می‌دهد و در قسمتی از آن می‌فرماید: «... اما افسوس! کسی را مقدم داشتند که خدا او را کنار زده بود و کسی را کنار گذاشتند که خدا او را مقدم داشت...»<sup>(۲)</sup>.

در پاسخ احوال‌پرسی ام سلمه، یکی از علل و عوامل نگرانی و اندوه خود را ظلم به وصی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیان می‌کند و سپس می‌فرماید: «... به خدا سوگند! حشمت و عظمت آن کس دریده و نابود شد که بر خلاف حکم خدا در قرآن و سنت پیامبر، حق امامت او را غصب کردند و به دیگران سپردند»<sup>(۳)</sup>.

یکی از شکوه‌های حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) با خداوند متعال، غصب امامت علی (علیه السلام) بود. امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که فاطمه زهرا (علیها السلام) با خدا چنین گفت:

«اللهم ایاک نشکو فقد نبیک... و منهم ایتانا حقاً الذی جعلته لنا فی کتابک المنزل علی نبیک المرسل»<sup>(۴)</sup>. «خدایا! به تو شکایت می‌کنم از منع حق ما، حق امامت و ولایتی که تو در کتاب نازل شده بر پیامبرت برای ما قرار داده بودی».

آن حضرت خطاب به زنان مهاجر و انصار می‌فرماید:

«وای بر آنان! چرا نگذاشتند حق در مرکز خود قرار یابد؟ و خلافت بر پایه‌های نبوت

استوار و در خانه‌ای که نزول‌گاه وحی بود، بماند و حق را از دست علی (علیه السلام) که عالم به امور دین و دنیا است، گرفتند»<sup>(۵)</sup>؟

۱. امالی شیخ صدوق: ج ۱، ص ۲۰۷ و امالی شیخ طوسی: ص ۱۱۷.

۲. بحارالانوار: ج ۳۶، ص ۳۵۲.

۳. بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۱۵۷، مناقب ابن شهر آشوب: ج ۲، ص ۲۵ و ۴۹.

۴. بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۹.

۵. امالی صدوق: ج ۱، ص ۳۸۴، احتجاج: ج ۱، ص ۱۰۸.